

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال یازدهم، شماره‌ی چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۹-۲۷
(مقاله علمی - پژوهشی)

تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری جان سرل

مهديه پاکروان^۱، محمدرضا بارانی^۲

چکیده

جنبش امام حسین (ع) در الگوسازی اندیشه‌ای و رفتاری شیعیان نقش بسیار بنیادی داشته و تحلیل‌های گوناگونی از آن شده است. با این‌همه چنین می‌نماید که بهره‌گیری از نظریه‌های زبان‌شناسی می‌تواند افق‌های تازه‌ای در تحلیل تاریخی این جریان مذهبی-اجتماعی بگشاید. این نوشتار بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری جان سرل (۱۹۹۹) در پنج گروه اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی به تحلیل سخنان امام حسین (ع) در گام آغازین جریان عاشورا از مدینه تا مکه می‌پردازد. نظریه‌ی کنش گفتاری در زمینه‌ی تحلیل گفتمان، بر عملکرد زبان تأکید دارد و سخن گفتن را یک کنش دانسته است. با کاربست این نظریه، ضمن بررسی لایه‌های زبانی یک اثر، ویژگی‌ها و زوایای پنهان متن را می‌توان بررسی و آشکار کرد. پژوهش نشان می‌دهد که کنش‌های اظهاری در سخنان امام (ع) بیش از دیگر کنش‌هاست و وی آنها را در عباراتی به قصد معرفی خود، بیان شرایط و قصد خویش بیان کرده است. کنش‌های ترغیبی، عاطفی و اعلامی با اختلاف قابل توجهی کمتر از کنش‌های اظهاری به کار رفته‌اند. در سخنان امام (ع) هیچ ترغیبی مبنی بر همراه کردن دیگران با خود دیده نمی‌شود و او حتی به دنبال دعوت پنهانی یا برانگیختن مردم برای حمایت از خود نیست. بررسی بافت موقعیتی و کنش‌های گفتاری این سخنان نشان می‌دهد که حسین (ع) در این مرحله از حرکت خود، قصد جنبش یا ساماندهی برای گرفتن حکومت را ندارد و عملکرد ایشان عملکردی واکنشی بوده است، نه کنشی. واژه‌های کلیدی: کنش گفتاری، جان سرل، جنبش عاشورا، امام حسین (ع)، مدینه.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء، (m.pakravan@alzahra.ac.ir).

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء، (نویسنده مسئول) (m.barani@alzahra.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

مقدمه

تحلیل متون تاریخی بر اساس نظریات زبان‌شناسی گامی به سوی فهم بهتر گزاره‌های تاریخی است. امروزه «فلسفه‌ی زبان» یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فلسفه‌ی تحلیلی است. نظریه‌ی «کنش‌گفتاری»^۱ که با نام «افعال‌گفتاری» یا «کارگفت‌ها» نیز شناخته می‌شود، در این حوزه قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۷۸، ۱۱). نوشتار کنونی در پی تحلیل سخنان امام حسین در گام اول رویدادهایی است که به واقعه‌ی کربلا منجر شدند. وانگهی با نگاهی کلان و جامعه‌شناختی، حوادث اجتماعی بر شانه‌های یکدیگر بالا می‌روند. گذشته، حال، آینده سه امر جدا نیستند و ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند. در شکل‌گیری حوادث، زیرساخت‌های اجتماعی و مجموعه‌ای از علل و عوامل دست به دست هم می‌دهند. به همین علت، به‌سختی می‌توان در زنجیره‌ی حوادث، حادثه‌ای را گام آغازین نام نهاد. با این‌همه، در این پژوهش با در نظر گرفتن رویدادهای نزدیک به ماجرای عاشورا، آغازگاه این حرکت مدینه و موقف اعلام خبر مرگ معاویه به حاکم لحاظ شده است. بعد از اعلام خبر و فشار بر امام حسین برای بیعت با یزید، اولین اقدام امام برای بیعت‌نکردن خروج از مدینه است. پس از این تصمیم تا رسیدن به مکه عباراتی از حسین (ع) ثبت شده است که طبق نظریه‌ی کنش‌گفتاری تحلیل خواهند شد. این تحقیق رسیدن به تبیین کامل‌تری از هدف امام را بر اساس این نظریه دنبال می‌کند، زیرا بر اساس نوع کنش‌های گفتاری یک متن می‌توان هدف گوینده و شرایط تولید متن را دقیق‌تر مورد توجه قرار داد. کاربست این نظریه و آماري که از انواع کنش‌ها استخراج می‌شود ابزاری است در جهت شفاف‌سازی هدف امام در این مرحله از حرکت خود. بنابراین پرسش اصلی پژوهش آن است که کدام نوع از کنش‌های گفتاری در سخنان امام بیشتر یا کمتر است و این پیام‌آور چه هدفی در گام آغازین امام است؟ آیا حرکت امام حرکتی کنشی برای تشکیل یک جنبش و ساماندهی برای تشکیل حکومت است یا اقدامی واکنشی است؟ این پژوهش زمانی تکمیل خواهد شد که سخنان امام در مراحل بعدی نیز بر همین اساس تحلیل شوند، تحلیلی که خود به نوشتار مستقل دیگری نیاز دارد.

1. Theory of Speech Acts

| تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۲۹

درباره‌ی اهداف امام حسین دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و برخی آنها را جمع‌آوری کرده‌اند. عاشورا پژوهی نوشته‌ی محمد صحتی سردرودی (۱۳۸۵) و عاشورا شناسی نوشته‌ی محمد اسفندیاری (۱۳۹۷) از جمله‌ی این کتب‌اند. ولی در تبیین اهداف امام، تاکنون از نظریه‌ی کنش‌های گفتاری استفاده نشده است. البته می‌توان از دو مقاله نام برد که در تبیین موضوعیت امام حسین (ع) از این نظریه سود جستند: «تحلیل خطبه‌ی حضرت زینب (س) در کوفه بر اساس نظریه‌ی کنش گفتار سرل»، نوشته‌ی طاهره ایشانی و معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۳) و «تحلیل کنش گفتاری خطبه‌ی امام حسین (ع) در روز عاشورا»، نوشته‌ی طاهره ایشانی و نیره دلیر (۱۳۹۵). نویسندگان در مقاله‌ی اخیر نشان داده‌اند که امام حسین در خطبه‌ی روز عاشورا با بهره‌گیری از افعالی با کنش اظهاری ابتدا سعی می‌کند تا موقعیت خود و خاندانش را تصریح نماید، سپس با افعالی با کنش ترغیبی و به‌ویژه با کاربرد سؤال می‌کوشد سپاه دشمن را به بازاندیشی در خود و کسی که با وی قصد جنگ دارند تشویق کند، تا شاید بدین‌وسیله آگاه شوند و حجت نیز بر آنان تمام شود. نظریه‌ی کنش‌های گفتاری با چنین دسته‌بندی و تحلیل‌هایی دارای این ظرفیت است که لایه‌های زبانی یک اثر را بررسی و زوایای پنهان متون یا سخنرانی‌ها را کشف و تحلیل نماید.

این مقاله دارای سه عنوان اصلی است. در آغاز پایه‌ی نظری بحث تبیین خواهد شد. از آنجا که بر اساس این نظریه «بافت موقعیتی» دارای اهمیت است، عنوان بعدی اختصاصاً به این بافت می‌پردازد و سپس بحث اصلی، یعنی تحلیل سخنان امام حسین است با ۱۱ عنوان به همراه جدولی برای تسهیل بررسی ارائه می‌شود. در جمع‌آوری سخنان امام حسین همه‌ی گفتارها از منابع متقدم تا قرن چهارم جمع‌آوری شده است. به‌علاوه، برای اطمینان از تتبع کامل، از دو کتاب تحقیق و جمع‌آوری متأخر، یعنی *دانشنامه‌ی امام حسین (ع)* از محمد محمدی ری‌شهری و همکاران (۱۳۸۸)، و *سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا*، گردآوری محمدصادق نجمی (۱۳۹۰) نیز سود برده شده است. این تحقیق درصدد صحت‌سنجی گزارش‌ها نیست، اگرچه در صورت تحلیل محتوایی و اسنادی گزارش‌ها و حتی کنارگذاشتن برخی از آنها نیز در نتیجه‌ی کلی مقاله تغییری رخ نخواهد داد.

نظریه‌ی کنش گفتاری

کنش‌های گفتاری جنبه‌ی مهمی از کاربردشناسی زبان‌اند (فرکلاف، ۱۳۸۷، ۲۳۵)، و زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان نیز محسوب می‌شوند. بر همین اساس پیش از بیان نظریه‌ی کنش گفتاری یا کارگفت، اشاره‌ای کوتاه به مفاهیم بالا یعنی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی ضروری است.

تحلیل گفتمان را می‌توان واکنشی در برابر شکل سنتی‌تر زبان‌شناسی (زبان‌شناسی صوری، ساختاری) دانست که بر واحدهای متشکله و ساختار جمله تمرکز می‌کند و سروکاری با تحلیل زبان کاربردی^۱ ندارد. مسئله‌ی تحلیل گفتمان، برخلاف زبان‌شناسی صوری، عبارت است از انتقال مفهوم ساختار از سطح جمله، یعنی روابط گرامری‌ای چون فاعل - فعل - مفعول، به سطح متن بزرگ‌تر (میلز، ۱۳۸۸، ۱۷۱). در تحلیل گفتمان دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی، یعنی زمینه‌ی متن سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت^۲ موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره می‌پردازیم (فرکلاف، مقدمه‌ی گردآورنده، ۱۳۸۷، ۸). این رویکرد، به بررسی الگوهای زبانی درون متن و نیز ارتباط میان زبان اجتماعی و فرهنگی که متن در بستر آنها به کار می‌رود می‌پردازد. زلیگ هریس^۳ برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲، اصطلاح تحلیل گفتمان را به‌عنوان روشی برای تحلیل گفتار و نوشتار ارتباطی مطرح کرد. وی بر دو مبحث عمده، یعنی بررسی زبان در سطحی فراتر از جمله و نیز ارتباط بین رفتار زبانی^۴ و غیرزبانی^۵ تأکید داشت (پالتریج، ۱۳۹۶، ۱۴).

کاربردشناسی مطالعه‌ی معناست؛ معنایی که گوینده (یا نویسنده) آن را منتقل و شنونده (یا خواننده‌ی متن) آن را برداشت می‌کند. بنابراین کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفته‌هایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند. کاربردشناسی بررسی منظور گوینده است. این‌گونه بررسی ناگزیر تفسیر منظور افراد را در

-
1. Language in use
 2. Context
 3. Zellig Harris
 4. linguistic behavior
 5. non- Linguistic behavior

تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۳۱

یک بافت خاص و همچنین، چگونگی تأثیر آن بافت بر پاره‌گفت را نیز در برمی‌گیرد و مستلزم توجه به این نکته است که چگونه سخنگویان کلام خود را با در نظر گرفتن مخاطب، مکان، زمان، و شرایط حاکم سازمان‌دهی می‌کنند؛ بنابراین، کاربردشناسی بررسی معنی بافتی است (یول، ۱۳۹۶، ۱۱).

اثر جان لانگ شاو آستین^۱ (۱۹۶۲) با نام *چطور می‌شود با واژه‌ها کار انجام داد*،^۲ و همچنین کتاب جان راجرز سرل^۳ (۱۹۹۶) با عنوان *کنش‌های گفتاری*، دو اثر بسیار مهم در حوزه‌ی کاربردشناسی تلقی می‌شوند و به نوعی به حوزه‌ی تحلیل گفتمان نیز مرتبطند. آستین و سرل بر این باورند که زبان نه تنها برای تعیین ارزش صدق و کذب جملات بلکه برای انجام کارها نیز به کار می‌رود. نظرات آنها زمانی مطرح گردید که نگرش اثبات‌گرایان منطقی^۴ به عنوان نگرشی غالب بر حوزه‌ی فلسفه‌ی زبان سایه افکنده بود. نگرش آنها بر این اصل استوار بود که زبان همواره برای توصیف حقایق یا شرایط به کار می‌رود و چنانچه نتوان ارزش صدق و کذب جمله‌ای را تعیین نمود، اساساً آن جمله فاقد معنا است. طبق مشاهدات آستین و سرل، ما اعمال زیادی را بیان می‌کنیم که نمی‌توانند شرایط صدق^۵ را تأمین کنند. با این همه، جملات معتبر و قابل‌قبولی می‌نمایند که اعمالی فراتر از معنای تحت‌اللفظی خود را انجام می‌دهند. آنها خاطر نشان می‌سازند که ما همان‌گونه که اعمال فیزیکی خود را انجام می‌دهیم، با استفاده از زبان نیز اعمالی را تحقق می‌بخشیم. بدین معنا که از زبان برای امر کردن، درخواست کردن، هشدار دادن و یا نصیحت کردن استفاده می‌کنیم و به تعبیری دیگر، فراتر از معنای تحت‌اللفظی گفته‌ی خود، اعمالی را انجام می‌دهیم (پالتریج، ۱۳۹۶، ۷۶). برای مثال، ادای پاره‌گفت «شما اخراجید» از سوی رئیس یک اداره که اختیارات زیادی دارد، تنها یک گزاره نیست، بلکه می‌تواند به منزله‌ی کنشی باشد که به اشتغال شخص پایان می‌دهد (یول، ۱۳۹۶، ۶۶). آستین این جمله‌ها را کنشی نامید و نظریه‌ی متداول او به نظریه‌ی «کنش گفتاری» یا «کارگفت» شهرت یافت. البته وی شخصاً

1. John Langshaw Austin
2. How to do things with words
3. John Rogers Searl
4. Logical positivism
5. Truth conditions

شکل کامل نظریه‌ی کارگفت‌ها را معرفی نکرده است. کار او در نهایت، مجموعه سخنرانی‌هایی بود که به سال ۱۹۹۵ در دانشگاه هاروارد ارائه داد و پس از مرگش به چاپ رسید (لاینز، ۱۳۹۱، ۳۴۰).

آستین بر این باور است که در گفتار روزانه‌ی ما سه نوع کنش بیانی،^۱ غیربیانی (منظوری)^۲ و پس‌بیانی (تأثیری)^۳ روی می‌دهد. کنش بیانی، به معنای تحت‌اللفظی و واقعی کلمات اطلاق می‌گردد (مثلاً جمله‌ای نظیر «اینجا هوا گرم است» به‌طور تحت‌اللفظی به دمای محیط اشاره دارد). کنش غیربیانی، بر مقصود مورد نظر گوینده دلالت می‌کند (برای مثال، منظور گوینده از این جمله، بیان درخواستی است برای روشن کردن دستگاه تهویه‌ی هوا). منظور از کنش تأثیری نیز تأثیری است که این گفته بر افکار و اعمال فرد مقابل می‌گذارد (در مثال بالا، فرد مقابل برمی‌خیزد و دستگاه تهویه‌ی هوا را روشن می‌کند) (صفوی، ۱۳۹۲، ۱۷۵-۱۷۶؛ پالتریج، ۱۳۹۶، ۷۶).

بعد از آستین فیلسوفان و زبان‌شناسان دیگری به بررسی ماهیت کارگفت‌ها و طبقه‌بندی آنها پرداخته‌اند که از آن میان، آرای جان سرل درباره‌ی مقوله‌بندی کارگفت‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. وی بر آنست که سخن‌گفتن در واقع واردشدن در نوعی رفتار قاعده‌مند است. به تعبیری، سخن‌گفتن انجام افعالی مطابق با قواعد است (سرل، ۱۳۷۸، ۱۱۷). سرل پاره‌گفتارها را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد (صفوی، ۱۳۹۲، ۱۷۶-۱۷۸؛ یول، ۱۳۹۶، ۷۳-۷۵):

انواع	توضیح	مثال از افعال و جملات	مثال از سخنان امام
کارگفت اظهاری: ^۴	نشان دادن دنیا آن‌چنان که هست، یا آن‌چنان که گوینده باور دارد؛ مانند بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف.	اظهار کردن، بیان کردن، تایید کردن، گفتن، دلیل آوردن، اثبات کردن، معرفی کردن. هوا خوب است. / برادرم فارغ‌التحصیل شد. / می‌روم دانشگاه.	عباراتی که امام به معرفی خود یا بیان مقصدش می‌بردازد.

1. Locutionary act
2. Illocutionary act
3. Perlocutionary act
4. Representatives

انواع	توضیح	مثال از افعال و جملات	مثال از سخنان امام
کارگفت ترغیبی: ^۱	ترغیب مخاطب برای انجام‌دادن کاری؛ مانند پرسش‌ها، درخواست‌ها و امر و نهی‌ها. در این کارگفت گوینده شرایطی را پدید می‌آورد که مخاطب را به پاسخ یا انجام کاری وادارد.	خواستن، دستور دادن، توصیه‌کردن، هشدار دادن، اطمینان‌دادن، تشویق کردن. استدعا می‌کنم گوش کنید. / خودکارت را قرض می‌دهی؟	عبارات دعایی امام با خدا که خواستی در آن مطرح شده است.
کارگفت‌های تعهدی: ^۲	تعهد گوینده برای انجام کاری در آینده، ملزم ساختن خود به انجام آن. به عبارتی، این کارگفت بیانگر قصد و تعهد گوینده است.	قول‌دادن، ضمانت‌دادن، وعده‌دادن، سوگند خوردن. تهدید کردن. قول می‌دهم برگردم. / این کار را انجام نخواهم داد.	در سخنان مورد تحقیق امام در این مقاله وجود ندارد.
کارگفت عاطفی: ^۳	بیان احساس گوینده، حالات روانی و نمود احساساتی مانند درد، علاقه، تنفر، لذت، غم.	سلام‌کردن، سرزنش‌کردن، ازار محبت یا تنفر، به خدا سپردن، عذرخواهی، تبریک، هجو کردن مبارکه. / متأسفم. / عجب، عالیه.	عباراتی که امام نسبت به برادر خود محمد بن حنفیه با عطف و بیان می‌کند.
کارگفت‌های اعلامی: ^۴	در آنها گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می‌کند. اگر این کنش موفق شود سبب تغییراتی در جهان بیرون می‌شود.	شما را به هفت سال زندان محکوم می‌کنم. / شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم. / آغاز جنگ را اعلام می‌کنم.	جاهایی از وصیت‌نامه‌ی امام، که امام اقداماتی در راستای سخنانش انجام می‌دهد.

1. Directives
2. Commissives
3. Expressives
4. Declarations

از نظر نگارنده کنش ترغیبی نیاز به تقویت و تکمیل دارد، بدین معنی که بسیاری از عباراتی که متضمن این کنش‌اند در گفتگوی میان انسان و خدا، یعنی دعاست. به عبارتی، شفاف‌بودن دو سوی کنش، یعنی ترغیب‌کننده و ترغیب‌شونده در جمع‌بندی و تحلیل نهایی کنش‌ها سودمند و بلکه ضروری است. برای مثال، در سخنان امام حسین کنش‌های ترغیبی در گفتار ایشان با افراد نیست، بلکه عموماً در جملات دعایی دیده می‌شود و به همین علت این‌گونه آورده شده است: کنش ترغیبی (امام - خدا).

باید در نظر داشت که یک پاره‌گفتار می‌تواند انواعی از کنش‌ها را در بر داشته باشد. برای مثال، وقتی گوینده به مخاطب می‌گوید: «پلیس بعد از پیچ جاده ایستاده است» با توجه به بافت، هم‌زمان دو نوع کنش را با این پاره‌گفتار انجام می‌دهد. یکی کنش اظهاری است به جهت اطلاعی که از واقعیتی در جهان بیرون می‌دهد، و دیگری کنش ترغیبی است به جهت هشدار که به مخاطب می‌دهد.

تعیین کارگفت‌ها در فهم و تحلیل بهتر متون و سخنرانی‌ها نقش مهمی دارد. آستین و پس از وی سرل در میان سه کنش بیانی، غیربیانی و پس‌بیانی توجه خود را بیشتر به کنش غیربیانی معطوف می‌کنند. به باور سرل، هر کارگفت دارای نکته‌ای غیربیانی است که برحسب وضع روانی گوینده و با توجه به محتوای کارگفت، در تطبیق با جهان خارج تولید می‌شود (صفوی، ۱۳۹۲، ۱۷۹). اهمیت کنش غیربیانی در این است که درک درست کلام در گرو فهم آن است و برای این امر شناخت «بافت موقعیتی» و زبان مخاطب امری ضروری است. هر حادثه و گفتگویی در شرایط خاص و به عبارتی در بافت موقعیتی خاصی شکل می‌گیرد. برای تحلیل عبارات امام حسین نیز دانستن این بافت و زمینه ضروری است. در ادامه نگاهی به بافت موقعیتی و شرایط پیشینی پیش از مرگ معاویه بایسته است.

بافت موقعیتی

امام حسین در سال ۶۰ ق با امتناع از بیعت با یزید در برابر او ایستاد. ولی باید توجه داشت که این رویارویی نه رفتاری کنشی، بلکه رفتاری واکنشی بود. علت این امر را باید

تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۳۵

در رویدادهای سال‌های پیش از آن یافت. طبق مفاد صلح امام حسن (ع) با معاویه در سال ۴۱ ق وی حق تعیین خلیفه نداشت، اما معاویه اندک زمانی بعد از شهادت امام حسن (ع) تلاش‌های خود را برای بیعت با یزید آغاز کرد و نه تنها مفاد صلح‌نامه را نقض کرد، بلکه به دنبال خلافت موروثی بود. معاویه پیمان امنیت شیعیان را نیز که از اصول مهم صلح‌نامه بود نقض کرد. او به هیچ‌یک از شروط خود با حسن (ع) عمل نکرد. حجر و یارانش را کشت، پسرش را جانشین خود کرد، کار را به شورا واگذار نکرد و حسن (ع) را نیز مسموم کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ۴۷/۳-۴۸). امام حسین با همه‌ی عهدشکنی‌های معاویه همان رویه‌ی امام حسن را ادامه داد و قصد جنگ با وی را نداشت (دینوری، ۱۳۶۸، ۲۲۵). شماری از شیعیان عراق با نگاشتن نامه‌هایی از او درخواست خروج بر ضد معاویه کردند و ایشان امتناع ورزید (ابن سعد، ۱۴۱۴، ۴۳۹/۱)، و در گزارشی علت را وفاداری به پیمان امام حسن (ع) با معاویه دانست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۸۷/۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ۳۲/۲). با فرض درستی این گزارش، منظور از این وفاداری، وفای به عهد یک‌جانبه نیست و ضرورتی نداشته که امام بخواهد به پیمانی نقض‌شده وفادار باشد، بلکه منظور این است که امام حسین (ع) پیروی از همان سیاستی را به صلاح مسلمانان می‌دانست که امام حسن (ع) انجام داده بود (جعفریان، ۱۳۹۳، ۱۷۴-۱۷۶). عهدشکنی معاویه به‌صراحت مشروعیت خلافت او را زیر سؤال برد. به‌رغم تلاش معاویه بعد از شهادت امام حسن برای بیعت با یزید، امام نه تنها بیعت نکرد، بلکه در فرصت‌هایی مخالفت و سرسختی خود را اعلام می‌نمود (ابن سعد، ۱۴۱۴، ۴۴۰/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ۱۲۰/۵-۱۲۲).

بیعت نکردن امام با یزید گرچه شایسته‌ی توجه است، نباید با برپایی جنبش یا قصد او برای تشکیل حکومت یکی دانسته شود. بیعت نکردن با خلیفه مخالفت سیاسی محسوب می‌شود ولی ماهیتاً با موارد بالا متفاوت است. چنانچه افرادی مانند سعد بن ابی وقاص و ابن عمر با علی (ع) بیعت نکردند و در شمار مخالفان سیاسی امام صف کشیدند، اما عملکرد آنها هرگز قیام یا تلاش برای قبض حکومت تلقی نشد. این حق برای امام حسین (ع) محفوظ بود که بعد از عهدشکنی‌های معاویه در برابرش قیام کند تا حکومت را از وی پس بگیرد، اما او اگرچه دست به این اقدام نزد، با استواری بر بیعت نکردن با یزید و افشای وی

پای فشرده، چه در زمان معاویه و چه پس از او. پس بیعت نکردن امام در آغاز خلافت یزید امتداد مسیری بود که او از قبل آغاز کرده و این در برابر عهدشکنی‌های معاویه قاطع‌ترین و حداقل رفتار واکنشی بود. با مرگ معاویه سیاست امام تغییری نکرد و این واکنش ادامه یافت، اما یزید استراتژی متفاوتی را نسبت به پدرش برگزید. سیاست معاویه جنگ با امام نبود، چنانچه در نامه‌ای به مروان بن حکم (بلاذری، ۱۴۱۷، ۱۵۲/۳) و همچنین در وصیتش به یزید (طبری، ۱۳۸۷، ۳۲۲/۵؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱، ۳۵۰/۴) او را از شدت در برابر حسین پرهیز داده بود. معاویه گرچه از هیچ کوششی در دشمنی با بنو هاشم کوتاهی نکرد، نمی‌خواست خود را بدنام کند. یزید پس از خلافت سیاست دیگری در پیش گرفت و در آغاز نامه‌ای تند برای گرفتن بیعت از مدینه و نخبگان آن به ولید بن عتبّه^۱ فرستاد.

به دنبال رسیدن پیک یزید به ولید بن عتبّه بن ابی سفیان حاکم مدینه، امام (ع) شبانه به دارالاماره فراخوانده شد. به گزارش یعقوبی در این نامه ولید بن عتبّه، پسرعموی یزید، مأمور شد حسین بن علی و عبدالله بن زبیر را به بیعت فراخواند و اگر زیر بار نرفتند آن دو را گردن بزند. از مردم نیز بیعت بگیرد و هر کس از فرمان سر باز زد نیز گردن زده شود (بی‌تا، ۲۴۱/۲). طبری نامه را با این صراحت نیاورده ولی به همین پیام اشاره کرده است: «اما بعد، حسین و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر را سخت و بی‌امان به بیعت وادار کن تا بیعت کنند، والسلام.» (۱۳۸۷، ۳۳۸/۵) خیر مرگ معاویه و دستور نرسیده ولید بن عتبّه را که پس از برکناری مروان بن حکم از حکومت مدینه در سال ۵۸ ق به این منصب رسیده بود (طبری، ۱۳۸۷، ۳۰۹/۵) سخت نگران ساخت. کم‌خردی و بی‌سیاستی یزید در گرفتن بیعت از مردان نامی و بانفوذ مدینه و احتمال مخالفت آنان، آن اندازه سخت بود که ولید وادار شد با همه‌ی رقابتش با مروان بر سر فرمانداری مدینه، او را به مشورت بخواند (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵، ۱۴۴).

پیشنهاد مروان این بود که باید پیش از انتشار خبر مرگ معاویه اعلام بیعت کنند وگرنه

۱. همسر او لبابه دختر عبدالله بن عباس بوده، پس همسرش از بنو هاشم است و خویشاوندی با آنان دارد (ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۱).

گردنشان زده شود. زیرا شاید هرکدام پرچمی برافرازند، به سویی می‌روند و مردم را به سوی خود بخوانند (ابومخنف، ۱۴۱۷، ۷۷؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳۳۹/۵). این مروان بن حکم هموست که پیش از این در سال ۴۹ ق و پس از شهادت امام حسن (ع)، با خشم نزد معاویه رفته و وی را به خاطر انتصاب پسرش به ولی‌عهدی سرزنش کرده بود. معاویه پیش از این در پی موروثی کردن حکومت خود بود ولی چنین تصمیمی کار آسانی نبود و اگر شتابزده انجام می‌شد می‌توانست تلاش‌های سی‌ساله‌ی وی را از بین ببرد. بنوهاشم و پیروان سیره‌ی خلفای نخستین، گروه‌هایی بودند که مانع تصمیم معاویه می‌شدند. پس از شهادت امام حسن (ع) و کوتاه آمدن برخی شخصیت‌های مهم حجاز، معاویه شرایط را مناسب دید (طوقش، ۱۳۹۲، ۳۲-۳۴).

او به مروان بن حکم کارگزار مدینه نامه نوشت و خواهان بیعت گرفتن از مردم شد. این نامه خشم مروان را برانگیخت. وی که در کشتن خلیفه‌ی سوم، تحریک اصحاب جمل و فراهم آوردن بستر خلافت معاویه نقش مهمی داشت، خواهان خلافت بود و به حکومت مدینه بسنده نمی‌کرد. از همین رو، بی‌درنگ به معاویه نامه نوشت که مردم از بیعت با وی امتناع می‌کنند. این کار موجب برکناری او از حکومت مدینه در سال ۴۹ ق شد (طبری، ۱۳۸۷، ۲۳۲/۵؛ نک. زرگری‌نژاد، ۱۳۸۳، ۱۱۹-۱۲۱). البته سال ۵۴ ق مروان دوباره حاکم مدینه شد. طبری، ۱۳۸۷، ۲۹۳/۵). وی پس از این حادثه با خاندان و خویشانش معترضان به دمشق رفت. مروان در سرزنش به خلیفه گوشزد کرد که در قوم او بسی افراد شایسته هستند و کار نباید به دست کودکان سپرده شود. معاویه با این سخن ستایش‌گرانه و وعده‌آمیز که تو همانند امیر مؤمنانی، در حوادث سخت مورد اعتماد اویی و مقام تو بعد از ولیعهد است، مروان را به مدینه بازگرداند (مسعودی، ۱۴۰۹، ۲۸/۳-۲۹). او بازگشت و در انتظار خلافت بود. با مرگ معاویه در سال ۶۰ ق مروان می‌توانست خود را به قدرت نزدیک‌تر ببیند، از این رو در مشورت به ولید، وی را به قتل ممتنعان از بیعت تشویق کرد. مروان می‌دانست که حسین بن علی (ع) موجه‌ترین فرد برای ایستادگی علیه امویان است، بنابراین با اصرار در قتل وی هم یزید را خشنود می‌کرد، هم مانعی مقتدر در رسیدن به آرزویش را از بین می‌برد و هم رسوایی شهادت امام حسین به نام رقیبش یزید ثبت می‌شد

(زرگری نژاد، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲).

مأمور ولید شبانه در مسجد به دیدار عبدالله بن زبیر و امام حسین رفت و آنان را نزد حاکم فراخواند. ابن زبیر از این فراخوانی نابهنگام شگفت زده شد و علت را از حسین (ع) جویا شد. امام گمانش این بود که معاویه در گذشته و پیش از آگاهی مردم، آنان را برای بیعت فراخوانده‌اند. امام با این فراست که تنها نرود و دوستان و خویشانش با سلاحی مخفی او را همراهی کنند، نزد ولید رفت و از آنان خواست که اگر صدای مشکوکی شنیدند یا خود آنان را فراخواند، به خانه وارد شوند وگرنه حرکتی نکنند (ابومخنف، ۱۴۱۷، ۷۷-۸۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳۳۹/۵).

ولید با دادن خبر مرگ معاویه به حسین (ع)، دستور یزید برای گرفتن بیعت را اعلام نمود. امام با اشاره به این که بیعت پنهانی بیهوده خواهد بود و شما آن را نمی‌خواهید و سودی برای خلیفه در بر ندارد، از وی خواست که به همراه مردم، ایشان را برای بیعت آشکار فراخواند. این تدبیر دیگری بود که حاکمیت اندیشه را در اقدامات راهبردی حسین (ع) نشان می‌دهد. موافقت ولید با واکنش مروان روبرو شد و مروان بر آن بود که حسین (ع) یا باید بیعت کند یا گردن زده شود. امام او را سرزنش کرد و سپس با همراهانش به منزل بازگشت (ابومخنف، ۱۴۱۷، ۸۰-۸۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ۳۳/۲). در گزارشی دیگر آمده: «ولید حسین و ابن زبیر را به بیعت با یزید فراخواند، گفتند باشد برای فردا و بنگریم مردم چه می‌کنند. حسین همان دم بیرون رفت و ابن زبیر همراهش بود و حسین می‌گفت: این یزید که می‌شناسی به خدا سوگند دوراندیشی و مردانگی در او نیست. ولید سخنان تندی به حسین گفت و حسین هم به او ناسزا گفت و عمامه‌ی ولید را از سرش برداشت. ولید گفت: چون ابو عبدالله را برانگیزیم گویی شیر را برانگیخته‌ایم» (ابن سعد، ۱۴۱۴، ۴۴۲/۵).^۱ این حادثه در شب شنبه، ۲۷ رجب سال ۶۰ ق رخ داد. اجتناب از

۱. در ادامه آمده: «مروان یا یکی دیگر از هم‌نشینان ولید گفت: حسین را بکش. ولید گفت: خون حسین خونی است که دامن همه‌ی خاندان عبد مناف را می‌گیرد. چون ولید به اندرون رفت همسرش اسماء دختر عبدالرحمان بن حارث بن هشام به او گفت: آیا به حسین دشنام دادی؟ گفت: او آغاز کرد و مرا دشنام داد. گفت: اگر او دشنام دهد تو باید او را دشنام دهی؟ و اگر پدرت را دشنام دهد آیا می‌توانی پدرش را دشنام دهی؟» گفتنی است در این گزارش همسر ولید اسماء است نه لبابه. همچنین، این روایت نشانگر جایگاه خاندان رسالت است که تندگویی و دشنام‌دادن به آنان برای مردم پذیرفتنی نبود.

| تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۳۹

فراخواندن امام برای بیعت علنی در روز بعد و نیز خروج بدون حادثه و تعقیب ایشان در شب بعد، یعنی ۲۸ رجب از مدینه نشان‌دهنده‌ی سیاست محافظه‌کارانه‌ی حاکم مدینه و بی‌میلی وی به دستگیری یا قتل امام است. شاید ولید دریافته بود که پیشنهاد مروان در پی اهداف جاه‌طلبانه‌ی خویش است و با حضور بنوهاشم در مدینه این کار برای او سودی نخواهد داشت و نمی‌خواست دستش به خون حسین آلوده شود، زیرا باور داشت نابودی دینش در گرو آن است، وگرنه در روز قیامت نزد خداوند ترازویی بی‌مقدار خواهد داشت (دینوری، ۱۳۶۸، ۲۲۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳۴۰/۵). در حالی که ولید با آگاهی از خبر خروج ابن زبیر در همان شبی که به بیعت فراخوانده شدند، سوارانی در پی او فرستاد که به او دست نیافتند (مفید، ۱۴۱۳، ۳۴/۲)، اقدامی برای تعقیب امام (ع) صورت نداد.

از زمان درخواست بیعت به امام تا خروج‌شان از مدینه و رسیدن‌شان به مکه سخنانی از ایشان ثبت شده است. در ادامه به بررسی این سخنان بر اساس نظریه‌ی افعال گفتاری می‌پردازیم تا بتوان قالب‌های مختلف در سخنان امام را دسته‌بندی و پردازش کرد. گرچه ما به تحلیل سخنانی از امام می‌پردازیم که در منابع تاریخی به دست ما رسیده‌اند و قطعاً با آنچه واقع شده عیناً یکی نیستند، این داده‌ها به‌عنوان تنها داده‌های در دسترس ارزشمندند.

سخنان امام حسین (ع) تا قبل از رسیدن به مکه

این موارد شامل ده گفتگو می‌شود که کنش‌های گفتاری هر یک تعیین و در پایان، جمع‌بندی کنش‌های غیربیانی که منظور اصلی گوینده است به همراه نتیجه‌گیری ارائه شده است. در تعیین گفتارها توجه به تقدم منابع لحاظ شده است.

شعر خواندن آرام امام حسین (ع) در مسجد

صبح روز بعد از احضار، در حالی که ولید در پی ابن زبیر بود و به حسین (ع) کاری نداشت، امام به مسجدالنبی رفت. ابوسعید کیسان مقبری روایت می‌کند در حالی که حسین قدم می‌زد و گاهی به این پا و گاه به آن پا تکیه می‌داد دو بیت شعر از یزیدبن مفرغ حمیری را تکرار می‌کرد:

نمی‌خواهم زنده بمانم و صبحگاهان چرندگانم را به چرا ببرم و در میان مردم به نام

یزید خوانده شوم.

آن زمان که از ترس تن به ستم دهم، که مرگ در کمین من است تا از ذلت دور شوم. ابوسعید می‌گوید: با خود گفتم والله حسین (ع) بی‌جهت و از روی هوا این شعار را نمی‌خواند. او می‌خواهد نکته‌ای را برساند. تنها پس از دو روز خبردار شدم که حسین بن علی به طرف مکه حرکت کرد (ابومخنف، ۱۴۱۷، ۸۲-۸۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ۱۵۶/۳ با اندکی تغییر).

در ابیات یادشده شاعر از بردن نام خود در میان مردم ابا دارد، مادامی که از ترس تن به ستم داده باشد و برای رهایی از ذلت مرگ را در کمین خود می‌بیند. کنش بیانی این شعر اظهاری است زیرا شاعر احوال خود را با دو اصل تن‌ندادن به ستم و زیر بار ذلت نرفتن بیان می‌کند. کنش غیربیانی با در نظر گرفتن بافت موقعیتی دریافت می‌شود و آن قصد خروج از مدینه در پی امتناع از بیعت است. بنابراین، این ابیات از زبان امام اعلامی است، زیرا امام با شرایط موجود تصمیمی گرفته و در آستانه‌ی انجام آن است، گرچه آن را زمزمه‌وار می‌خواند، گویی هدف خود را اعلام می‌کند. شنونده یعنی ابوسعید مقبری نیز می‌فهمد که حسین منظوری از خواندن آنها دارد. از سوی دیگر، این ابیات می‌تواند نشانگر اشعار و توجه امام به آینده نیز باشد: در مسیر پیش رو برای تن‌ندادن به ستم و رهایی از ذلت، مرگ در کمین است. در این صورت این عبارت دارای کنش اظهاری در ترسیم نگاهی کلان نسبت به آینده نیز هست.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
لا ذعرت السّوام فی فلق الصّبح/مغیرا، و لا دعیت یزیدا یوم اعطی من المهابة ضیما/ و المنایا یرصدنی أن أحیدا	اظهاری (۲)	اعلامی - اعلامی - اظهاری	تن به ستم ندادن - انتخاب مرگ در برابر ذلت - اشعار و توجه به آینده
جمع		۱ کنش اظهاری ۲ کنش اعلامی	

سخنان امام حسین (ع) با مروان بن حکم

به گزارش ابن اعثم فردای آن روز امام حسین از خانه بیرون رفت تا اخبار را پیگیری کند و مروان را دید. مروان با ادعای خیرخواهی از امام خواست به نصیحتش گوش کند تا نجات یابد. امام گفت «و ما ذلک؟ قل حتی أسمع.» نصیحت تو چیست؟ مروان بیعت با یزید را پیشنهاد داد و آن را خیر دین و دنیا دانست. امام با استرجاع گفت: «با اسلام باید خداحافظی کرد اگر امت به کسی چون یزید دچار شود» و افزود:

«وای بر تو، مرا به بیعت با یزید فرامی‌خوانی، در حالی که او فاسق است، سخنی به‌گزارف و نادرست گفتی، ای صاحب لغزش‌های بزرگ. تو را بر این سخن، سرزنش نمی‌کنم؛ زیرا تو نفرین‌شده‌ی پیامبر خدا هستی، آنگاه که در صلب پدرت حکم بودی و هرکه پیامبر خدا او را نفرین کرده باشد،^۱ چاره‌ای ندارد، جز آن که به بیعت با یزید فرابخواند.» سپس فرمود: «ای دشمن خدا از من دور شو، که ما خاندان پیامبر خداییم و حقیقت در میان ماست و زبان ما به‌حق سخن می‌گوید و از پیامبر خدا شنیدم که «خلافت بر خاندان ابوسفیان و بر آزادشده‌ها و فرزندان آنان حرام است. هرگاه معاویه را بر منبر من دیدید، شکم او را پاره کنید.» به خدا سوگند، مردم مدینه او را بر منبر جدم دیدند و به دستور او عمل نکردند تا خداوند آنان را به یزید، که خدا عذابش را زیاد کند، دچار ساخت.» مروان از این سخنان به خشم آمد و امام را سرزنش کرد. امام دیگر بار پاسخ داد «وای بر تو ای مروان، دور شو، که تو پلیدی و ما اهل بیت طهارتیم، که خداوند این آیه را در شأن ما فرستاده: خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند (احزاب: ۳۳)». سپس فرمود: «بشارت تو را ای پسر زرقا،^۲ که به

۱. پیامبر(ص) حکم بن ابی‌العاص را به سبب اعمال و آزارهای فراوان وی مورد لعن قرار داد و بسیاری از منابع بدان اشاره کرده‌اند. این لعن درباره‌ی خاندان وی کسانی را در بر می‌گیرد که همان مسیر را پیموده‌اند و شامل خویشان و مؤمنان این خاندان نشده است (بلاذری، ۱۴۱۷، ۱۷۰/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳۵۹/۱؛ ابن اثیر، ۵۱۴/۱). همچنین زیر «شجره‌ی ملعونه» در قرآن در برخی تفاسیر به لعن این خاندان اشاره شده است. بنگرید به، مکارم و همکاران، ۱۷۴/۱۲.

۲. زرقا دختر موهب، مادر حکم بن عاص و مادر بزرگ پدری مروان بن حکم، از روسپیان مشهور زمان جاهلیت است. به همین جهت کسانی که قصد نکوهش مروان و بنی مروان را داشتند، به آنها بنوالمزرقا می‌گفتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱۹۴/۴).

هرآنچه از پیامبر ناراحتی، روزی که بر پروردگارت وارد می‌شوی، جدم از حق من و حق یزید از تو می‌پرسد.» مروان با خشم، نزد ولید رفت و این سخنان را به وی گزارش کرد (۱۴۱۱، ۱۷/۵).

در این گفتگو که آن را ابن اعثم گزارش کرده گفتگویی عتاب‌آمیز میان امام و مروان در جریان است و بیشتر گزاره‌ها دارای کارگفت اظهاری در بیان فسق و ناپاکی خاندان اموی است. کنش بیانی عبارت «أ تأمرنی ببيعة یزید» ترغیبی است، در حالی که معنای مستتر آن اظهاری و بیان امتناع از بیعت با یزید است. کنش‌های ترغیبی این سخنان سؤال از مروان یا راندن وی از خود و بیان نفرین است. کنش‌های عاطفی یا دارای بار مثبت و سلام و صلوات به پیامبر است و یا دارای بار منفی است که نسبت به مروان بیان شده است.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
و ما ذلک؟ قل حتی أسمع	ترغیبی (امام - مروان)	ترغیبی (امام - مروان)	سؤال کردن
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ/و علی الإسلام السلام إذ قد بلیت الأمة براع مثل یزید	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	استرجاع و اظهار تأسف کردن
ویحک	عاطفی	عاطفی	انذار دادن
أ تأمرنی ببيعة یزید	ترغیبی (امام - مروان)	اظهاری	امتناع از بیعت با یزید
و هو رجل فاسق	اظهاری	اظهاری	فاسق بودن یزید
لقد قلت شططا من القول/یا عظیم الزلل	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	خطاکار بودن مروان
لا أومک علی قولک لأنک اللعین/الذی لعنک رسول الله صلی الله علیه وسلم و أنت فی صلب أیبک الحکم بن أبی العاص	اظهاری (۲)، عاطفی	اظهاری (۲)، عاطفی	ملعون بودن مروان، سلام دادن به پیامبر (ص)
فإن من لعنه رسول الله/صلی الله علیه وسلم	اظهاری، عاطفی	اظهاری، عاطفی	ملعون بودن مروان، سلام دادن به پیامبر (ص)

تحلیل سخنان امام حسین(ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۴۳

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
لا یمکن له و لا منه [إلا] أن يدعو إلى بیعة یزید	اظهاری	اظهاری	علت دعوت مروان به بیعت با یزید
إلیک عنی یا عدو الله	ترغیبی (امام - مروان)	ترغیبی (امام - مروان)	راندن از خود
فإنا اهل بیت /رسول الله صلی الله علیه وسلم / و الحق فینا /و بالحق تنطق السنننا	اظهاری (۳)، عاطفی	اظهاری (۳)، عاطفی	معرفی خاندان خود، سلام‌دادن به پیامبر(ص)
و قد سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: «الخلافة محرمة علی آل أبی سفیان /و علی الطلقاء و أبناء الطلقاء	اظهاری (۲)، عاطفی	اظهاری (۲)، عاطفی	حرام‌بودن خلافت بر ابوسفیان و آل او، سلام‌دادن به پیامبر(ص)
فو الله لقد راه أهل المدينة علی منبر جدی فلم یفعلوا ما أمروا به،	اظهاری	اظهاری	سریچی از وصیت پیامبر (ص)
قاتلهم الله بانه یزید، زاده الله فی النار عذابا	ترغیبی (امام - خدا) (۲)	ترغیبی (امام - خدا) (۲)	نفرین کردن
ویلک یا مروان	عاطفی	عاطفی	انذار دادن
إلیک عنی	ترغیبی (امام - مروان)	ترغیبی (امام - مروان)	راندن از خود
فإنک رجس	اظهاری	اظهاری	آلوده‌بودن مروان
و إنا اهل بیت الطهارة /الذین أنزل الله عزوجل علی نبیه محمد صلی الله علیه وسلم، فقال: إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ /و يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً	اظهاری (۳)	اظهاری (۳)	طهارت خاندان اهل بیت
جمع	۲۰ کنش اظهاری ۵ کنش ترغیبی ۶ کنش عاطفی		

سخنان امام حسین (ع) با پیامبر (ص)

به گزارش ابن اعثم امام حسین (ع) پیش از خروج از مدینه، دوبار شبانه نزد قبر پیامبر نماز گزارد و سپس به خانه بازگشت (اینکه امام دو شب نزد قبر پیامبر رفته‌اند نشانه‌ی آن است که طبق نقل ابن اعثم خروج امام حسین از مدینه در سوم شعبان رخ داده است (۱۴۱۱، ۲۱/۵-۲۲)، هرچند این با قول معروف، یعنی گزارش ابومخنف (۱۴۱۷، ۸۵) ناسازگار است). حسین (ع) در شب اول پیامبر را این‌گونه مورد خطاب قرار داد:

«سلام بر تو ای رسول خدا، منم فرزند فاطمه‌ی تو و فرزند تو. من حسین بن فاطمه‌ام؛ فرزند تو و پسر فرزند تو و نواده‌ی تو از کسی که او را خلیفه‌ی امت خویش قرار دادی. ای پیامبر خدا، بر آنان گواه باش که مرا یاری نکردند و حق مرا ضایع کردند و حرمت مرا نگه نداشتند. این شکایت من به محضر توست تا روزی که به دیدارت نائل شوم.» (۱۴۱۱، ۱۸/۵).

عبارات بالا با کنش عاطفی سلام به نبی (ص) شروع می‌شود و خاتمه می‌یابد. حسین (ع) در عباراتی که کنش‌های اظهاری محسوب می‌شوند به معرفی خود می‌پردازد. در پاره‌گفت‌های «أنهم قد خذلونی، و ضیعونی، و لم یحفظونی» امام از بی‌یاوری، تضییع حق و حرمت نگه نداشتن امتش سخن می‌گوید. کنش بیانی این عبارات اظهاری است، ولی منظور امام به‌علاوه اظهار گله و شکایت نیز هست، پس در کنش غیربیانی آن کنش عاطفی نیز وجود دارد.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
السلام علیک یا رسول‌الله	عاطفی	عاطفی	سلام‌دادن
أنا الحسین بن فاطمة / انا فرخک و ابن فرختک / و سبطک فی الخلف الذی خلفت علی أمتک	اظهاری (۴)	اظهاری (۴)	معرفی‌کردن خود
فاشهد علیهم، یا نبی‌الله	ترغیبی (امام - خدا)	ترغیبی (امام - پیامبر)	شهادت‌خواستن

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
أنهم قد خذلونی / و ضیعونی / و أنهم لم یحفظونی	اظهاری (۳)	اظهاری (۳)، عاطفی	اظهار تأسف - شکایت‌کردن
و هذه شکوای إلیک حتی ألقاک	عاطفی	عاطفی	شکایت‌کردن
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْکَ و سَلَّمَ	عاطفی	عاطفی	سلام‌دادن
جمع		۷ کنش اظهاری ۱ کنش ترغیبی ۴ کنش عاطفی	

مناجات امام حسین (ع) با خدا

حسین (ع) در شب دوم، پس از نماز بر سر تربت پیامبر با خدا چنین مناجات می‌کند: «بار خدایا، این خاک پیغمبر تو است و من پسر دختر اویم. مرا چنین واقعه که تو از آن آگاهی پیش آمده است. خدایا تو دانی که معروف را دوست دارم و منهی را منکرم. یا ذوالجلال و الإکرام، به حق این خاک پاک و به حق آن‌کس که در این خاک خفته است، آنچه رضای تو است برایم میسر گردان» (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ۱۸/۵-۱۹).

فقرات این عبارات بیشتر حالت دعایی و خطابی دارند که در شمار کنش‌های ترغیبی قرار می‌گیرند. فقره‌ی «إنی احب المعروف و أنکر المنکر» بیان حب به معروف و بیزاری از منکر است و لذا کنش اظهاری است.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
اللّٰهُمَّ	ترغیبی (امام - خدا)	ترغیبی (امام - خدا)	دعاکردن
إِنَّ هَذَا قَبْرُ نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ / و أَنَا ابن بنت محمد	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	معرفی‌کردن خود
و قد حضرنی من الأمر ما قد علمت	اظهاری	اظهاری	بیان شرایط

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
اللهم	ترغیبی (امام - خدا)	ترغیبی (امام - خدا)	دعاکردن
إني أحب المعروف وأبكر المنكر	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	طلب معروف و نهی از منکر
و إني أسألك يا ذا الجلال والإكرام/ بحق هذا القبر و من فيه	ترغیبی (امام - خدا) (۲)	ترغیبی (امام - خدا) (۲)	دعاکردن و قسم‌دادن
إلا اخترت لي من أمري ما هو لك رضى	ترغیبی (امام - خدا)	ترغیبی (امام - خدا)	طلب رضایت خدا
		۵ کنش اظهاری ۵ کنش ترغیبی	

سخن با محمدبن حنفیه (به نقل از ابومخنف)

وقتی محمدبن حنفیه، برادر امام حسین (ع) از تصمیم امام آگاه شد نزد ایشان رفت و با امام سخن گفت. گفتار او به این دلیل که به مسائل گوناگونی اشاره می‌کند حائز اهمیت است. او به امام گفت، برادر، نسبت به احدی به اندازه‌ی تو در خود احساس خلوص و ارادت نمی‌کنم. [به نظر من] ابتدا با بیعت‌کردن با یزیدبن معاویه از او دور شو و تا می‌توانی از شهرها فاصله بگیر، بعد پیک‌هایت را به سوی مردم بفرست و آنها را نزد خود بخوان. اگر با تو بیعت کردند سپاس خدای را، و اگر به دیگری روی آوردند، خدا از دین و عقل شما چیزی نکاسته و از مروّت و جوانمردی و فضل شما چیزی از دست نرفته است. تو نزد من محبوب‌ترین و عزیزترین مردم هستی. می‌ترسم به یکی از این شهرها وارد شوی و گروهی دور تو گرد آیند ولی بعد بین‌شان اختلاف ایجاد شود. گروهی به نفع شما و دسته‌ای نیز علیه شما بسیج شوند، بعد هم بین‌شان جنگی درگیرد و تو اولین کسی باشی که در مقابل لبه‌ی تیز شمشیرشان قرار می‌گیری. در این صورت خون بهترین فرد این امت چه از حیث ارزش نفسانی و چه از حیث پدر و مادر، بیش از همه ضایع خواهد شد و خانواده‌اش بدتر از همه ذلیل خواهند گشت.

تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۴۷

حسین (ع) پاسخ داد: فانی ذاهب یا أخی؛ برادر، من می‌روم. محمدبن حنفیه گفت: پس در مکه توقف کن، اگر دیدی جای امنی است همان‌جا بمان، و اگر دیدی مکان مناسبی نیست سر به بیابان‌ها و کوه‌ها بزن، از این شهر به آن شهر برو تا ببینی کار مردم به کجا می‌کشد، تا چاره‌ای بیندیشی، در این صورت وقتی خواستی دست به اقدامی بزنی نظرت صائب‌تر و اقدامت استوارتر خواهد بود، و وقتی خواستی از اقدامی صرف‌نظر کنی هرگز با مشکلی روبرو نخواهی شد. امام پاسخ داد: یا أخی قد نصحت فأشفتت، فأرجو أن یکون رأیک سدیداً موقفاً (۱۴۱۷، ۸۳-۸۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳۴۱/۵-۳۴۲) برادر، شما مرا نصیحت کردی، از روی مهربانی. امیدوارم نظرت متقن و موفق از کار درآید.

محمدبن حنفیه در صحبت‌هایش به مسائل مختلفی اشاره می‌کند. پیشنهاد او دارای مؤلفه‌هایی است که ساماندهی یک قیام گسترده را به تصویر می‌کشد. اما امام تنها عباراتی کوتاه و عاطفی به زبان می‌آورد با امید به اینکه نظر برادر خیر باشد، ولی حتی او را تشویق به همراهی با خود نیز نمی‌کند.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
فانی ذاهب یا أخی	اظهاری	اظهاری	اظهار قصد خود
یا أخی قد نصحت	عاطفی - اظهاری	عاطفی - اظهاری	اظهار به نصیحت برادرانه
فأشفتت	عاطفی	عاطفی	احساس مهر و شفقت
فأرجو أن یکون رأیک سدیداً موقفاً	عاطفی	عاطفی	امید به خیر
جمع		۲ اظهاری ۳ عاطفی	

سخن با محمدبن حنفیه (به نقل از ابن اعثم کوفی)

در این نقل نیز مانند قول قبل، محمدبن حنفیه بعد از ابراز محبت و مودت به برادر، ایشان را ترغیب می‌کند که از شهرهای زیر سلطه‌ی یزید دور شود و در عین حال مردم را به بیعت خود فراخواند. در نقل قبلی، امام در پاسخ فقط به رفتن خود اشاره می‌کند، ولی در این نقل امام از محمدبن حنفیه می‌پرسد، «یا أخی إلی أين أذهب؟» و محمد پیشنهاد می‌دهد امام به مکه، یا در صورت امتناع مردم از بیعت با ایشان به یمن برود یا از شهری

رهسپار شهر دیگر شود. امام پاسخ می‌دهد: و الله اگر مرا در دنیا هیچ یاری نباشد و خویش را هیچ پناهی نیابم هرگز با یزید بیعت نکنم که مصطفی (ص) بر آل ابی‌سفیان دعای بد گفته، اللَّهُمَّ لَا تَبَارِكْ فِي يَزِيدٍ.

سپس ساعتی نزد یکدیگر گریه می‌کنند و امام ادامه می‌دهد: ای برادر، خدای تعالی جزای تو خیر کند که نصیحتی مشفقانه کردی و رای صواب زدی و امیدوارم که عاقبت رای تو محمود باشد. این ساعت، عزیمت مکه دارم و ساخته شده‌ام و برادران و برادرزادگان و شیعی‌های خویش را با خود می‌برم. ایشان در این عزیمت با من متفق‌اند و خلاف ندارند. اگر تو در مدینه مقام خواهی کرد سهل باشد، تو را هیچ رنجی نرساند. اما باید که پیوسته از احوال و اقوام ایشان بر خبر باشی و علی‌التواتر آنچه حادث می‌شود اعلام دهی و از کار یزید و اصحاب او بر من هیچ پوشیده نداری؛ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۴۱۱، ۲۰/۵-۲۱).

با در نظر گرفتن تقدم قول ابومخنف (گزارش قبل) بر قول ابن‌اعثم، جدول کنش‌های گفتاری این قسمت تنظیم نشده است، ولی کنش‌های گفتار امام حسین در این قول نیز بیشتر عاطفی و اظهاری‌اند. جملاتی که دارای بار عاطفی‌اند کنش عاطفی، و جملاتی که در آنها امام از قصد و برنامه‌ی خود می‌گوید اظهاری‌اند، و سرانجام، اعلان تصمیم بر امتناع از بیعت با یزید کنشی اعلامی است.

وصیت به محمدبن حنفیه

به نقل ابن‌اعثم، سپس امام قلم و کاغذی خواست و وصیت‌نامه‌ی خویش را چنین نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم. این وصیت حسین بن علی (ع) با برادر خود محمدبن حنفیه است و او را می‌گوید و گواهی می‌دهد که خدای تعالی یکی است و او را شریک نیست. محمد پیغمبر و فرستاده‌ی اوست که هرچه گفت صدق گفت. بهشت و دوزخ حق است. قیامت آینده است و در آمدن او هیچ شک نیست. و خدای تعالی جمله‌ی مردمان را از گور برخواهد انگیخت. من برای خوش‌گذرانی و خودخواهی و خودرایی و ستم و فساد خارج نشدم، تنها برای نجات و صلاح امت جدم محمد خارج شدم. می‌خواهم که امر به معروف و نهی از منکر کنم و به شیوه‌ی جدم محمد و پدرم علی بن ابی‌طالب و خلفای هدایت‌شده‌ی

راشدین، که خداوند از آنها راضی باشد، حرکت کنم. پس هرکس [دعوت] مرا به حق پذیرفت، [بداند] که خداوند حقیقتاً سزاوارتر است و هرآنکه (دعوت) مرا رد کرد، من صبر می‌کنم تا اینکه خداوند بین من و آن قوم به حق داوری کند، که خداوند بهترین داور است. برادرم، این وصیت من به توست. هیچ توفیقی مگر از سوی خدا نیست. به او توکل می‌کنم و به سوی او بازمی‌گردم. درود و سلام بر تو و هر آن‌کس که دنباله‌رو راه هدایت است. و هیچ نیرو و توانی مگر از سوی خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست (۱۴۱۱، ۲۱/۵).

این کلام دارای دو محور اصلی است. یکی بیان اعتقادات است که کنش‌های اظهاری‌اند و دیگر بیان اهداف که کنش‌های اعلامی‌اند، زیرا چنانچه بیان شد، کنش‌های اعلامی اگر انجام شوند منشأ تغییرات در جهان بیرون می‌شوند، یعنی به دنبال آن تغییر و عملی رخ می‌دهد. با در نظر گرفتن بافت موقعیتی و حوادث رخ داده باید گفت، سخنان امام مبنی بر آنکه خروجش از مدینه نه برای خوش‌گذرانی، خودخواهی، خودرایی و ایجاد ستم و فساد، بلکه برای نجات و صلاح امت پیامبر است، کنش اعلامی است. ایشان هدف را نیز اعلام می‌دارد، که همانا امر به معروف و نهی از منکر است، و نوع حرکت و استراتژی خود را نیز پیمودن همان مسیر پیامبر (ص) و علی (ع) اعلام می‌کند.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
بسم الله الرحمن الرحيم	اظهاری	اظهاری	بیان نام خدا
هذا ما أوصى به الحسين بن علي بن أبي طالب / لأخيه محمد بن الحنفية المعروف ولد علي بن أبي طالب / رضي الله عنه	اظهاری (۲)، ترغیبی	اظهاری (۲)، ترغیبی	معرفی کردن خود و برادر و دعا برای برادر
إن الحسين بن علي يشهد أن لا إله إلا الله / وحده لا شريك له	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	شهادت به وحدانیت
و أن محمدا عبده و رسوله / جاء بالحق من عنده	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	شهادت به رسالت
و أن الجنة حق / و النار حق / و أن الساعة آتية / لا ريب فيها / و أن الله يبعث من في القبور	اظهاری (۵)	اظهاری (۵)	شهادت به قیامت

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
و إني لم أخرج أشرا/و لا بطرا/و لا مفسدا/و لا ظالما/و إنما خرجت لطلب النجاح/و الصلاح في أمة جدی محمد(ص)/أريد أن أمر بالمعروف/و أنهي عن المنكر/و أسير بسيرة جدی محمد(ص)/و سيرة أبي علي بن أبي طالب ^۱	اعلامی (۱۰)	اعلامی (۱۰)	اعلام قصد خود
فمن قبلني بقبول الحق فالله أولى بالحق	اظهاری	اظهاری	خدا سرچشمه‌ی حق‌ها
و من ردّ عليّ هذا أصبر	اظهاری	اظهاری	صبر در برابر مخالفان
حتى يقضى بيني و بين القوم بالحق/و يحكم بيني و بينهم	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	سپردن امور به خدا
و هو خير الحاكمين	اظهاری	اظهاری	معرفی خدا
هذه وصيتي إليك يا أخي	اظهاری	اظهاری	تائید وصیت خود
و ما توفيقی إلا بالله	اظهاری	اظهاری	خدا، منشأ خیرها
عليه توكلت	اظهاری	اظهاری	بیان توکل
و إليه أنیب	اظهاری	اظهاری	بیان اصل بازگشت
و السلام عليك/و علي من اتبع الهدی	عاطفی (۲)	عاطفی (۲)	سلام‌فرستادن
و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم	اظهاری	اظهاری	فاعلیت خدا

۱. در ادامه‌ی این عبارت نیز آمده است: «و سیرة الخلفاء الراشدين المهديين رضی الله عنهم». کلمه‌ی «راشدين» اصطلاحی است که احمدبن حنبل در قرن سوم هجری رواج داد و پیش از آن سابقه‌ای نداشت (یوسفی غروی، ۱۳۹۵، ۸۵). به‌علاوه، اشکال مفهومی این عبارت روشن است، زیرا علی (ع) و اولادش از سیره‌ی پیامبر (ص) تأسی می‌کرده‌اند، نه شیخین. از این‌رو به گمان نگارنده، این قسمت جعل است و به همین علت در جدول کنش‌ها نیز وارد نشده است.

تلاوت قرآن در اثنای رفتن از مدینه

حسین (ع) هنگام خروج از مدینه این آیه را قرائت می‌کند: موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت [در حالی که می‌گفت، «پروردگارا، مرا از گروه ستمکاران نجات بخش (قصص: ۲۱)» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ۸۵-۸۶؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ۲۱/۵-۲۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ۳۵/۲).

منظور امام از خواندن این آیه تشبیهی از شرایط خود به هنگام خروج به شرایط موسی (ع) است که با نگرانی و خوف از تعقیب فرعونیان از شهر خارج شد. با این‌همه گفتنی است که خروج شبانه‌ی امام از مدینه را گرچه در شرایطی بحرانی رخ داد و توأم با نگرانی بابت آینده‌ی بنی‌هاشم بود، نمی‌توان خروجی پنهانی تصور کرد. با در نظر گرفتن این‌ها، نظر بودن امام و همراهی بنی‌هاشم با ایشان احتمال خروج پنهانی را باید منتفی دانست. چنانچه پیش‌تر گفته شد، ولید عملاً راه خروج امام را هموار گذاشت و پس از خروج ایشان نیز تعقیب‌شان نکرد. برکناری او و گماردن عمرو بن سعید بن عاص از سوی یزید بعد از آن، تأییدی بر این مطلب است (طبری، ۱۳۸۷، ۳۴۳/۵؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ۲۶/۳).

آیه‌ی یادشده در پاره‌گفتارهای خروج موسی از شهر، وصف نگرانی و خوف او و بیان ظلم قوم و از این‌رو کنشی اظهاری است. درخواست موسی از خدا برای نجات خود نیز کنشی ترغیبی است. کنش غیربیانی این آیه یعنی قصدی که می‌توان از تلاوت این آیه از سوی امام حسین دریافت نیز با همین موارد تطبیق می‌کند.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ	اظهاری (۲)	اظهاری (۲)	اطلاع‌دادن از عمل موسی و حال وی
قَالَ رَبِّ نَجِّنِي	ترغیبی (موسی - خدا)	ترغیبی (امام - خدا)	دعاکردن
مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ	اظهاری	اظهاری	اظهار ظلم قوم
جمع		۳ اظهاری ۱ ترغیبی	

سخن با همراهان

امام به همراه خانواده از مدینه خارج شد. به آنان خبر رسیده بود که عبدالله بن زبیر از بیراهه رفته است. به همین دلیل وقتی امام راه اصلی را در پیش گرفت، برخی همراهان به امام گفتند: بهتر نیست مانند ابن زبیر از راه اصلی کناره گیرید تا تعقیب‌کنندگان به شما دست نیابند؟ امام فرمود: «نه، والله از راه اصلی جدا نمی‌شوم. منتظر می‌مانم تا قضای الهی به آنچه محبوب درگاهش است تعلق گیرد» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ۸۷؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳۵۱/۵).

امام در پاسخ، ابتدا قصد خویش را بیان می‌کند و سپس از محبوبیت قضای الهی می‌گوید که منظور از آن تسلیم در برابر حق است. همچنین نوعی خیرخواهی از خدا را نیز دربردارد. پس کنش غیربیانی عبارت دوم هم اظهاری و هم ترغیبی است. پیمودن از مسیر اصلی نشانی دیگر از تدبیر و هشیاری امام در انتخاب استراتژی اوست. شاید امام نمی‌خواست از بیراهه برود تا اگر مخالفان ایشان قصد شیبخون یا حمله داشتند نتوانند بی‌سروصدا به قصد خود برسند.

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
لا و الله لا افارقه	اظهاری	اظهاری	اعلام جدانشدن از مسیر اصلی
حتى يقضى الله ما هو أحبّ إليه	اظهاری	اظهاری - ترغیبی (امام - خدا)	تسلیم در برابر خدا/طلب خیر از خدا
جمع		۲ اظهاری ۱ ترغیبی (امام - خدا)	

صحبت با عبدالله بن مطیع عدوی

در راه مردی از قبیله‌ی بنی‌عدی به نام عبدالله بن مطیع عدوی به امام برخورد و مقصد ایشان را پرسید. امام گفت: در حال حاضر قصد مکه دارم، ولی بعد از مکه از خدا طلب خیر می‌کنم. این پاسخ دارای دو کنش اظهاری و ترغیبی است. سخن از قصد حرکت، یعنی مکه، کنش اظهاری است و طلب خیر از خدا کنشی ترغیبی. در پاسخ، عبدالله بن مطیع برای امام طلب خیر می‌کند و امام را پرهیز می‌دهد از اینکه بعد از مکه به کوفه نزدیک شود،

تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۵۳

زیرا کوفه شهر شوم و محنت‌زایی است. وی با اشاره به اینکه پدر امام در آنجا کشته شد، برادرش در آنجا تنها گذارده شد و به جانش سوءقصد شد، از ایشان می‌خواهد که در مکه بماند، زیرا وی آقای عرب است و احدی از مردم حجاز به پای ایشان نمی‌رسد. بنابراین مردم از هر سو یکدیگر را به بیعت با وی دعوت می‌کنند. در نهایت، باز هم امام را قسم می‌دهد که از مکه جدا نشود، زیرا بعد از ایشان دیگر آنها امنیتی نخواهد داشت (ابومخنف، ۱۴۱۷، ۸۷-۸۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳۵۱/۵). منابع پاسخی به این سخنان از امام ثبت نکرده‌اند (گرچه دینوری بعد از پاسخ اول امام، درخواست طلب خیر را نیاورده و پاسخ امام را چنین ذکر کرده است: «خداوند آنچه را دوست بدارد مقدر خواهد فرمود. سپس لگام خود را کشیده و به سوی مکه ادامه‌ی مسیر داد» (دینوری، ۱۳۶۸، ۲۲۸-۲۲۹).

عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
أَمَا الْآنَ فَأَنَّىٰ أَرِيدُ مَكَّةَ	اظهاری	اظهاری	بیان مقصد
وَأَمَا بَعْدَهَا فَأَنَّىٰ أَسْتَخِيرُ اللَّهَ	ترغیبی (امام - خدا)	ترغیبی (امام - خدا)	طلب خیر از خدا
جمع	۱ اظهاری ۱ ترغیبی (امام - خدا)	۱ اظهاری ۱ ترغیبی (امام - خدا)	

تلاوت قرآن هنگام رسیدن به مکه

زمانی که امام نزدیک مکه شد، آیه‌ای را خواند که موسی (ع) هنگام رفتن به مدین خوانده بود: «رو به سوی مدین گفت، امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند (قصص: ۲۲)» (طبری، ۱۳۸۷، ۳۴۳/۵؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱، ۲۳/۵؛ مفید، ۱۴۱۳، ۳۵/۲-۳۶). این آیه که از سفر موسی به مدین می‌گوید و نیز حاوی دعا برای هدایت و مسیر درست است هم دارای کنشی اظهاری و هم کنشی ترغیبی است. همچنین اگر بافت موقعیتی آن را در نظر بگیریم کنش غیربیانی این آیه ترغیبی است و امام از خدا خواهان راه هدایت و دستگیری در مسیر خویش است.

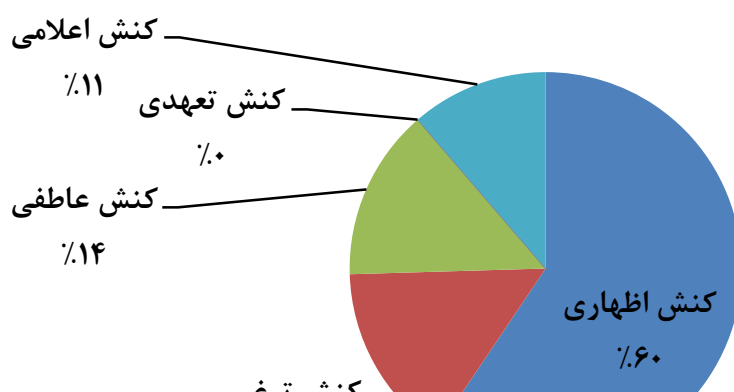
عبارت	کنش بیانی	کنش غیربیانی	فعل کنش غیربیانی
فلماً توجّه تلقاء مدین قال: عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل	اظهاری - ترغیبی (موسی(ع) - خدا)	ترغیبی (امام - خدا)	دعاکردن
جمع		۱ ترغیبی	

نتیجه گیری

جمع بندی کنش های گفتاری امام حسین (ع) در سخنانش تا ورود به مکه در جدول زیر آمده است:

کنش اظهاری	کنش ترغیبی	کنش عاطفی	کنش تعهدی	کنش اعلامی	
۱				۲	شعر خواندن آرام امام حسین (ع) در مسجد
۷	۱	۴			سخنان امام حسین (ع) با پیامبر (ص)
۲۰	۵	۶			سخن با مروان
۵	۵				مناجات امام حسین (ع) با خدا
۲		۳			سخن با محمدبن حنفیه (به نقل از ابومخنف)
۲۲	۱	۲		۱۰	وصیت به محمدبن حنفیه
۳	۱				تلاوت قرآن در اثنای رفتن از مدینه
۲	۱				سخن با همراهان
۱	۱				صحبت با عبدالله بن مطیع عدوی
	۱				تلاوت قرآن هنگام رسیدن به مکه
۶۳	۱۶	۱۵		۱۲	جمع

های گفتاری سخنان امام حسین(ع)



طبق این آمار بیشترین کنش در سخنان امام کنش اظهار است که مضامین آن بیشتر درباره‌ی این مفاهیم است: معرفی خود، افشاگری درباره‌ی امویان، بیان شرایط و اظهار تأسف، بیان اعتقادات و شهادت به آنها و اشاره به مقصد حرکت یعنی مکه. جز یک کنش ترغیبی در صحبت امام با پیامبر، و دو مورد در صحبت ایشان با مروان، بقیه‌ی عباراتی که دارای کنش ترغیبی‌اند در سخنان میان امام و خدا آمده‌اند و عباراتی دعایی‌اند. کنش عاطفی که بیانگر احساس گوینده است در سخنان ایشان با پیامبر و محمدبن حنیفه آمده است که دارای بار عاطفی مثبت است و مواردی نیز در صحبت با مروان بن حکم، که دارای بار منفی است. کنش‌های اعلامی در شعری که امام در مسجد زمزمه کرد و نیز در وصیتش به محمدبن حنیفه دیده می‌شود که اعلام قصد و هدف امام از امتناع از بیعت و خروج ایشان از مکه است.

آنچه در این عبارات قابل توجه است استفاده‌نکردن از کنش ترغیبی نسبت به مخاطبین است. امام برای همراه کردن افراد با خود هیچ میلی به تحریک و تشویق ندارد. حتی در سخن با نزدیکان و اعضای خاندانش چنین پاره‌گفتارهایی دیده نمی‌شود. البته امام در شرایط عادی نبود. ایشان زیر نظر بودند و زمینه‌ی دعوت و تبلیغ برای‌شان فراهم نبود. ولی چنانچه بیان شد، ولیدین عتبه امام را در حصر یا تنگنای خاصی قرار نداده بود و اگر

امام قصد قیام و جمع کردن سپاه بر ضد یزید برای تصاحب حکومت را داشت، می توانست از همین مدینه حداقل دعوت مخفی خود را آغاز کند. ولی ایشان حتی در صحبت با برادر خود نیز میلی به دعوت و ترغیب نشان نمی دهند. امام در میان راه، از مسیر اصلی به مکه رفته است، تهدید و تعقیبی نیز در پی ایشان نبوده است. با این همه، گزارشی از دعوت و فراخوانی ایشان ثبت نشده است، با وجود این که مسیر مدینه تا مکه مسیر کم‌رهرو نبوده است. حتی عبدالله بن مطیع نیز که با ایشان مواجه می شود از سوی امام به همراهی ترغیب نمی شود.

در کنش های اعلامی امام نیز اعلانی برای جنگ و آماده باش دیده نمی شود. چنانچه در آغاز سخن گفته شد، امتناع امام از بیعت با یزید واکنشی بود به نقض بیعت معاویه از چند سال پیش. و این اقدام در برابر عهدشکنی معاویه حداقل واکنش بود. اگرچه حتی همین حد از مخالفت نیز مشروعیت معاویه را بیش از پیش خدشه دار کرد. امتناع امام از بیعت با یزید در آغاز خلافت وی در سال ۶۰ ق استمرار همان استراتژی قبلی امام بود و امام در این راستا در اولین گام، خروج از مکه را برگزید. پس حرکت امام را تا این مرحله نمی توان کنشی دانست و آن را قیامی مسلحانه یا ساماندهی برای گرفتن حکومت قلمداد کرد.

تکمیل این پژوهش نیازمند بررسی سخنان امام در گام های بعدی حرکت خود بر اساس نظریه ی طرح شده است. بررسی همه جانبه تر این برهه هنگامی ممکن است که نوع کنش های گفتاری در سخنان امام (ع) را با سخنان رهبران دیگر جنبش های نزدیک دوره ی ایشان مقایسه و در پرتو این قیاس هدف حسین (ع) بهتر واکاوی کنیم.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم، (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن اثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم، (۱۴۰۹)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، ج ۱، بیروت: دارالفکر.
- ابن اعثم کوفی، أبومحمد أحمد بن اعثم، (۱۴۱۱)، *الفتوح*، به کوشش علی شیری، ج ۴، ج ۱، بیروت: دارالأضواء.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، (۱۴۰۳)، *جمهرة انساب العرب*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، (۱۴۰۸)، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر (تاریخ ابن خلدون)*، به کوشش خلیل شحاده، ج ۳، ج ۲، بیروت: دارالفکر.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۱۴)، *الطبقات الکبری*، به کوشش محمد بن صامل سلمی، ج ۱ و ۵، ج ۱، طائف: مکتبة الصدیق (الطبقة الخامسة).
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹)، *المناقب*، ج ۴، قم: نشر علامه.
- ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، (۱۴۱۲)، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، به کوشش علی محمد بجاوی، ج ۱، ج ۱، بیروت: دارالجیل.
- ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، (۱۴۱۷)، *وقعة الطف*، به کوشش محمد هادی غروی یوسفی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی (جامعة المدرسین فی حوزة الاسلامیة)..
- احمدی، بابک، (۱۳۷۸)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر.
- اسفندیاری، محمد، (۱۳۹۷)، *عاشوراشناسی*، ج ۴، تهران: نشر نی.
- ایشانی، طاهره؛ دلیر، نیره، (۱۳۹۵)، «تحلیل کنش گفتاری خطبه‌ی امام حسین (ع) در روز عاشورا»، *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی لسان مبین*، ۲۵، صص ۱-۲۳.
- ایشانی، طاهره؛ نعمتی قزوینی، معصومه، (۱۳۹۳)، «تحلیل خطبه‌ی حضرت زینب سلام‌الله علیها در کوفه بر اساس نظریه‌ی کنش گفتار سرل»، *فصلنامه‌ی تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه*، ۴۵، صص ۲۵-۵۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷)، *انساب الاشراف*، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج

- ۳ و ۵، ج ۱، بیروت: دارالفکر.
- پالتریج، برابان، (۱۳۹۶)، *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، ترجمه‌ی طاهره همتی، ج ۱، تهران: نشر نویسه پارسی.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۳)، *حیات فکری سیاسی امامان شیعه*، ج ۳، تهران: علم.
- خلیفه‌بن خیاط، (۱۴۱۵)، *تاریخ*، به کوشش مصطفی نجیب فواز و حکمت کشلی فواز، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود، (۱۳۶۸)، *اخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر و جمال‌الدین شیبال، قم: مشنورات الرضی.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، (۱۳۸۳)، *نهضت امام حسین و قیام کربلا*، ج ۲، تهران: سمت.
- سردرودی، محمد صحتی، (۱۳۸۵)، *عاشورا پژوهی*، ج ۲، قم: انتشارات خادم‌الرضا.
- سرل، جان‌آر، (۱۳۷۸)، *افعال گفتاری*، ترجمه‌ی محمدعلی عبداللهی، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صفوی، کوروش، (۱۳۹۲)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، چاپ پنجم، تهران: پژوهشکده‌ی فرهنگ و هنر اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۸۷)، *تاریخ الامم و الملوک*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۵، ج ۲، بیروت: دارالتراث.
- طقوش، محم سهیل، (۱۳۹۲)، *دولت امویان*، ترجمه‌ی حجت‌الله جودکی، ج ۷، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۸۷)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه‌ی فاطمه شایسته پیران و دیگران، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لاینز، جان، (۱۳۹۱)، *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*، ترجمه‌ی کوروش صفوی، ج ۱، تهران: نشر علمی.
- محمدی ری‌شهری، محمد و همکاران، (۱۳۸۸)، *دانشنامه‌ی امام حسین (ع)*، قم: دارالحدیث.
- مسعودی، علی‌بن حسین، (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، به کوشش یوسف اسعد داغر، ج ۳، قم: موسسه دارالهجره.
- مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳)، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ج ۲، ج ۱، قم: کنگره‌ی شیخ مفید.

| تحلیل سخنان امام حسین(ع) از مدینه تا مکه، بر پایه‌ی نظریه‌ی کنش‌های گفتاری ... | ۵۹

- مکارم، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- میلز، سارا، (۱۳۸۸)، گفتمان، ترجمه‌ی فتاح محمدی، ج ۲، زنجان: نشر هزاره‌ی سوم.
- نجمی، محمدصادق، (۱۳۹۰)، سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، قم: بوستان کتاب.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، (بی‌تا)، تاریخ، ج ۲، بیروت: دار صادر، افست، قم: مؤسسه‌ی نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- یوسفی غروی، محمدهادی، (۱۳۹۵)، مقتل الحسین، ج ۱، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بول، جورج، (۱۳۹۶)، کاربردشناسی زبان، ترجمه‌ی محمد عموزاده مهدیرجی، منوچهر توانگر، ج ۸، تهران: سمت.